نساجی ایران، غول خواب آلود (تفسیری کوتاه از وضعیت صنعت نساجی ایران از دیدگاه دیگران)

سلطانی، احسان

در سال 1995 میلادی مصرف مواد اولیه‏ که بیش از 40 درصد آن سلولزی‏ و مصنوعی بود به سرعت در ایران بالا رفته‏ است.کل مصرف الیاف در ایران 285000 تن بوده که فقط در حدود 30000 تن کمتر از مصر که کشوری با صنعت نساجی‏ معروفتر است،می‏باشد.قالیهای بافته‏ شده به آسانی جزء اقلام اصلی صادرات‏ غیر نفتی ایران با تقاضای بالا در خلیج‏ فارس شده است.

هنوز صنایع نساجی در زمینهء بازسازی‏ در همهء بخشها کوتاهی و کمبود دارند. فروشندگان ماشین‏آلات نساجی از سویس تا کره به دقت این بازار را زیر نظر دارند،اما آنها هیچ‏گونه علائمی حاکی از بهبود وضعیت فروش ماشین‏آلات که‏ مطابق با این افزایش بالای مصرف الیاف‏ باشد،نمی‏بینند.تولید و تعمیر کردن‏ حکمفرماست.

دلایلی که توسط منابع داخلی ارائه شده‏ به شرح زیر است:

-برگشت تبعیض‏آمیز 50 درصد از ارز حاصله از صادرات غیر نفتی به دولت.

-کثرت قوانین و کنترلهای اداری‏ ناهماهنگ که توسط وزارتخانه‏ها و سازمانهای متنوعی که در تجارت و جذب‏ سرمایه‏های خارجی نقش دارند،اعمال‏ می‏گردد.

-ادامه تحریمهای آمریکا و کشورهای‏ دیگر بنا به دلایلی که به امر تجارت مربوط نمی‏شود.

در این هنگام صنایع نساجی به تلاش‏ خود در ظرفیتهای بهره‏وری که در بعضی از بخشها تا 25 درصد کاهش یافته است، ادامه می‏دهند.تولیدکنندگان پنبه کاشت‏ خود را افزایش داده‏اند،باوجوداین‏ کارخانجات به علت کمبود عرضه الیاف‏ طبیعی از الیاف مصنوعی به مقدار زیادی‏ استفاده می‏کنند.

تولید و صادرات پوشاک را جدی بگیریم

تجارت جهانی پوشاک هر سال رشد پیدا می‏کند،به صورتی که در سال 1995 در حدود نزدیک به 13 درصد نسبت به‏ سال قبل رشد داشته است.آمار جدول‏ صفحهء بعد که در مورد برخی از کشورهای‏ آفریقایی و ترکیه می‏باشد،نمایانگر این‏ موضوع است که کشورهایی مانند ترکیه، مصر،تونس و آفریقای جنوبی صادرات‏ خود را تا بیش از دو برابر در طی سه سال‏ (از سال 1992 تا 1995 میلادی)افزایش‏ داده‏اند.چین بزرگترین کشور صادرکننده‏ پوشاک در جهان در سال 1995 رقمی‏ نزدیک به 24 میلیارد دلار صادرات داشته‏ است.صادرات نساجی و پوشاک کشور همسایه ما ترکیه در حال حاضر مقدار 8 میلیارد دلار در سال است که مهمترین‏ و عمده‏ترین بخش صادرات این کشور می‏باشد.(در سال 1995،40 درصد از کل‏ صادرات ترکیه را تولیدات نساجی و پوشاک‏ تشکیل داده و رقم بعدی صادراتی این‏ کشور با اختلاف زیادی محصولات فولادی‏ با مقدار 5/1 میلیارد دلار بوده است.) در همین سال آمریکا با 43 میلیارد دلار واردات بزرگترین واردکننده پوشاک‏ در جهان(با رشد هفت درصدی در هر سال‏ نسبت به سال 1991)و کشورهای آلمان‏ با 24 میلیارد دلار،فرانسه با 10 میلیارد دلار و ایتالیا با 14 میلیارد دلار از دیگر واردکنندگان عمده در این زمینه بوده‏اند.

اگر به رشد سالانهء صادرات جهانی‏ پوشاک نگاه کنیم،می‏بینیم که در طی سه‏ سال مورد بحث در حدود 46 درصد رشد داشته و با توجه به این روند می‏توان‏ اظهار کرد که در حال حاضر باید در حدود 200 میلیارد دلار باشد.سؤال این است که‏ سهم ما از این بازار چقدر است؟و چه‏ سهمی در آینده خواهیم داشت؟

بر طبق آمارهای موجود تولید پوشاک‏ در واحدهای بزرگ کشور در حال حاضر در حدود 45000000 عدد در سال است که‏ به نظر می‏رسد این مقدار حتی تکافوی‏ نیاز داخلی را نیز نمی‏نماید و حتی اگر نیمی‏ از این مقدار نیز صادر شود،درآمد ارزی‏ حاصله به 100 میلیون دلار نخواهد رسید.

صادرات نساجی کشور(شامل پوشاک) در سال 1375 در حدود 360 میلیون دلار در سال با رشد ششصد درصدی نسبت به‏ سال 1370 بوده است و به نظر می‏رسد که‏ صادرات پوشاک کشور در حال حاضر بین‏ 50 تا 100 میلیون دلار در سال باشد. در صورتی که نسبت جمعیت کشورمان‏ را به کل جمعیت دنیا و شرایط اقتصادی‏ و صنعتی‏مان را در مقایسه با نقاط دیگر دنیا، ملاحظه کنیم،می‏بینیم که این رقم باید حداقل 2 میلیارد دلار در سال باشد.

برای آشنایی بیشتر با مزایای اقتصادی‏ صنعتی پوشاک بهتر است این صنعت را از نقطه نظر ارزش افزوده و اشتغال‏زایی‏ بررسی نماییم.اگر هزینه‏های لازم برای‏ تولید یک واحد لباس پیراهنی را در جدول «اثرات هزینه‏ها در تولید پوشاک» ملاحظه کنیم،ارزش افزودهء بالای تبدیل‏ پارچه به لباس در مقایسه با کل‏ فرآیندهای قبلی(از تولید پنبه تا رنگرزی‏ و تکمیل)به خوبی مشهود است.مقدار هزینه‏ها در هر مرحله از تولید لباس‏ پیراهنی نشان می‏دهد که از کل هزینه‏ها بیشترین مقدار هزینه‏ها به مرحله تولید لباس(در آمریکا نزدیک به 60 درصد و در جنوب شرقی آسیا نزدیک به 50 درصد) اختصاص دارد.

در پوشاک پنبه‏ای،قیمت هر کیلو پنبه‏ 7/1 دلار،نخ 5/2 دلار،پارچهء خام 8/2 دلار،پارچهء رنگ و تکمیل شده تا 5/4 دلار و البسه آماده تا 5/7 دلار می‏رسد. در صنعت فاستونی قیمت هر کیلو الیاف‏ مصرفی در حدود 5 دلار،پارچه تا 18 دلار و پوشاک آماده تا 50 الی 60 دلار افزایش می‏یابد.

با بررسی هزینه‏های کارگری(جدول‏ اثرات هزینه کارگری)در هر مرحله از تولید لباس پیراهنی مشاهده می‏شود که‏ اکثر هزینهء کارگری(در حدود نزدیک به 80 درصد در آمریکا و نزدیک به 70 درصد در جنوب شرقی آسیا)به مرحله تولید لباس مربوط می‏گردد،که حاکی از کارگربری صنعتی تولید پوشاک و در نتیجه‏ اشتغال‏زایی بالای آن می‏باشد.

از طرف دیگر اگر نسبت هزینهء کارگری‏ را نسبت به کل هزینهء لباس ملاحظه‏ کنیم،می‏بینیم که در مورد پوشاک بیش از نیمی از هزینه‏ها مربوط به نیروی انسانی‏ است که این مقدار در حدود 5/2 برابر نسبت به کل فرآیند نساجی مورد نیاز برای تولید پارچه می‏باشد.

برای اشتغال یک نفر در صنعت نساجی‏ به طور میانگین نیاز به 75 میلیون ریال‏ سرمایه است،درحالی‏که در صنعت‏ پوشاک به یک سوم این رقم نیاز می‏باشد. بنابراین برای ایجاد اشتغال جهت جمعیت‏ جوان کشور و افزایش ارزش افزوده‏ تولیدات نساجی کشور باید توجه اساسی‏ به صنعت پوشاک نموده و سرمایه‏گذاری‏ بیشتری در این صنعت داشته باشیم.

در ایران،هزینه کارگری در مقایسه‏ با کشورهای دیگر نسبتا پایین است.این‏ مقدار در حدود یک دلار آمریکا برحسب‏ ساعت-کارگر می‏باشد(البته با توجه به‏ هزینه‏های جنبی کارگری و میزان‏ تعطیلات بالا در کشور در مجموع این‏ مقدار حاصل خواهد شد)،بنابراین‏ می‏توان اظهار کرد که از نقطه نظر قیمت‏ تمام شده با توجه به نیروی انسانی نسبتا ارزان،زمینه بسیار خوبی برای صنعت‏ نساجی و خصوصا پوشاک در ایران وجود دارد.

توجه به تولید و صادرات پوشاک باعث‏ رونق و شکوفائی صنایع نساجی کشور خواهد شد،زیرا ضمن آنکه مقدار زیادی‏ از ارز حاصله می‏تواند به مصرف توسعه‏ و نوسازی این صنعت برسد،افزایش‏ مصرف تولیدات نساجی باعث بهبود وضعیت و رشد صنایع نساجی شده و باعث‏ می‏شود تا این صنعت در طی سالهای آتی‏ بتواند جایگاه خود را چه از نقطه نظر تأمین‏ نیازهای داخلی و همچنین حضور در بازارهای جهانی حفظ نموده و توسعه‏ دهد.

از طرف دیگر با توجه به نیاز بیشتر به‏ مواد اولیه از قبیل،پنبه،پشم و الیاف‏ مصنوعی،تولیدات کشاورزی و صنعتی‏ مورد توجه و توسعه بیشتری قرار خواهند گرفت.(بعنوان مثال در زمینهء پنبه،برای‏ حصول به هدف صادرات 2 میلیارد دلار پوشاک در سال،تولید پنبهء کشور حداقل باید به میزان دوالی سه برابر افزایش یابد.)بنابراین صنعت پوشاک‏ می‏تواند به عنوان یک نیروی محرکه، اقتصاد کشور را به میزان زیادی به حرکت‏ درآورده و بهبود ببخشد.(همان‏طور که‏ در مورد کشورهای آسیای جنوب شرقی‏ آمریکای جنوبی و جدیدا آفریقایی‏ صورت گرفته است.)

در این مقاله دیدیم که در کل فرآیند تولید نساجی و پوشاک،بیشترین اختلاف‏ در میزان ارزش افزوده بین کشورهای‏ در حال توسعه و توسعه یافته و از طرف‏ دیگر بالاترین نسبت اشغال و ارزش‏ افزوده مربوطه به بخش نهایی یعنی تولید لباس می‏باشد.بنابراین با وجود تعداد نسبتا زیاد از کارخانجات نساجی مدرن‏ در کشور که محصولاتی با کیفیت قابل‏ قبول را تولید می‏کنند(که بخشی از آن به‏ کشورهای دیگر،البته بیشتر پارچه خام‏ و مقدار کمتری تکمیل شده و یا به صورت‏ کالاهای با ارزش افزوده کم صادر می‏شود)،زمینه بسیار مناسبی برای ایجاد واحدهای تولیدی پوشاک در کشور وجود دارد.چنانچه ذکر شد،مهمترین مزیت ما در تولید پوشاک وجود کارگر ارزان‏ و همچنین مواد اولیه(خصوصا در بخش‏ پنبه‏ای)است.صنعت پوشاک علاوه‏ بر میزان اشتغال بالا،سرمایه‏گذاری‏ پایین‏تر ارزی و ریالی را نسبت به‏ بخشهای دیگر صنعت نساجی نیاز دارد. اگر به آمار صادرات 9 ماه اول سال 1375 نگاه کنیم،می‏بینیم که صادرات البسهء آماده از رشد 133 درصدی برخوردار بوده‏ است،درحالی‏که صادرات فرش در طی‏ همین دوره تنزلی در حدود 37 درصد با توجه به تنزل 45 درصدی قبلی در سال‏ 1374 داشته است.جدیدترین آمار حاکی‏ از این است که در سال جاری بیشترین‏ حجم صادرات کالاهای صنعتی به میزان‏ 32 درصد از کل این صادرات مربوط به‏ صدور پارچه و پوشاک است که مقدار آن از 118 میلیون دلار در پنج سال اول سال‏ 1375 با بیش از 41 درصد رشد به 167 میلیون دلار در پنج ماه اول امسال رسیده‏ است.(در همین دوره کل صادرات‏ کالاهای صنعتی کشور 31 درصد رشد داشته است.)مجموعهء این آمارها می‏تواند نشاندهنده آیندهء روشن صنعت‏ پوشاک نسبت به بخشهای دیگر صنعت‏ در سطح کشور باشد.

بنابراین می‏توان به این نتیجه رسید که‏ توجه جدی به رشد و توسعه اصولی‏ و منطقی این صنعت در کنار توسعه‏ و بازسازی صنعت نساجی کشور(چه از نقطه نظر ماشین‏آلات و تجهیزات تولید و چه از نقطه نظر مدیریت و نیروی انسانی) در طی سالهای آتی امری بسیار لازم‏ و ضروری می‏باشد.البته در کنار توسعه این‏ صنعت بایستی تربیت و تأمین نیروی‏ انسانی لازم خصوصا در بخشهای‏ طراحی،کنترل کیفیت،بازاریابی‏ و مدیریت نیز مدنظر قرار گیرد و شایسته‏ است که از تجربیات کشورهای موفق‏ در این زمینه بهره‏گیری کافی صورت‏ گرفته و حتی الامکان از سرمایه‏گذاری‏های مشترک خارجی‏ استفاده شده تا ضمن تأمین نیازهای‏ سرمایه‏ای و فنی،تکنولوژی تولید پوشاک‏ در سطح استانداردهای جهانی به‏ کشور انتقال یافته و راه برای دسترسی به‏ بازارهای جهانی هموارتر باشد.

مراجع:

1-مهندس جمشید بصیری-مجلهء صنعت‏ نساجی،شمارهء 57-مرداد 1376

2-مصاحبه با مهندس سید علی ضیایی- مجلهء صنعت نساجی،شمارهء 57-مرداد 1376

3-مهندس احساس سلطانی-مجلهء صنعت‏ نساجی،شمارهء 55-خردادماه 1376

4-آمار صادرات کالاهای صنعتی وزارت‏ صنایع

5- African Textile-April 1997

6- Trade with Turkey-1995

7- Journal of Textile Institute-1991

مأخذ: 1997 African Textile-April/May